به نام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین

**اندیشگاه به عنوان "خانه عقل فروزان"**

 نویسنده: دکترنویدی

خانه ی عقل کجاست؟ از چه کسی باید نشانی خانه عقل را بپرسیم ؟ آیا کسی آدرس خانه عقل را می داند؟ کوی عقل کدام سمت و سوی است؟ آیا اندیشگاه و عقل همسایه اند؟ سراغ خانه عقل را از کجا باید گرفت؟

انسان براساس خلقت خود واجد قوای متعدد و متکثر ومختلف است، از قوه نامیه و رشد و نمو گرفته تا قوه حساسه و قوه حافظه و ذاکره و مخیله و تا قوه عاقله. هریک از این قوا برای بقا و رشد و تعالی و تکامل و توسعه انسان لازم وضروری است، قاعده کلی و اساسی در خصوص این قوا اینست که هر کدام در جای خود نقش بی بدیل و بنیانی را ایفا می کند، یعنی هیچ قوه ای جای قوه دیگر را نمی تواند بگیرد، از سوی دیگر بقا و حیات آدمی بدون وجود و هستی این قوا منتفی خواهد بود واصلاً وجود نخواهد داشت.

برخی از این قوا بین انسان و سایر جانداران مشترکند و نقش مشابهی ایفا می کنند و برخی دیگر خاص بعضی جاندارانند، قوه عقل" intellect " که "خرد" و "ویر" نیز گفته می شود در واقع جوهر و بنیان درک اشیاء و موجودات و معانی و حقایق آن هاست،یعنی قوه عقل، قوه درک و فهم کلیات و معانی ، روابط و قواعد و تعمیم و تسری آنهاست، چنانکه ابن سینا گفته است: عقل آن را خواندیم که جز آنچه او راست چیزی نپذیرد و بدهد و نفس بپذیرد از عقل و بدهد و جسم بپذیرد و ندهد.

عقل خلیفه خدا وعظیم ترین عطای الهی است بنابراین شرف آدمیان وفضیلت انسان ها به قوه عاقله است، چرا که قوه عقل قوه شناختن و قوه تشخیص است، شناختن یعنی احاطه علمی دانشی وتصوری وتصدیقی به موضوعی داشتن است، شناختن آگاهی از روابط و نسبت های یک مقوله و یک حادثه و یک امر و یک موضوع است، شناختن یعنی اکتشاف پرده جهل و غفلت و دانستن یعنی در درون خود نور و روشنایی برافروختن. بنابراین شناخت و تشخیص مقدم بر اجرا و اقدام است، هرگاه از هستی و روابط آن و تأثیر و تأثر آن بر موجودات دیگر آگاهی و درک نداشته باشیم هر گز نمی توانیم اقدامی در خصوص آن انجام دهیم واگر عملی صورت پذیرد بی معنی و تصادفی خواهد بود. و امر تصادفی و جاهلانه از شأن ومنزلت انسان عاقل بسی دور و بعید است.

انسان اساساً میل به علم و اگاهی و ترقی وپیشرفت و توسعه دارد و این یک امر ذاتی و علاقه فطری است، ذات ما و جان ما و میل درونی ما به علوم و تعالی وتکامل بستگی دارد، بدین جهت، عقل و علم و آگاهی با تعالی و توسعه روحی و وجودی انسان مرتبط است . توسعه و ترقی انسان از تعالی وتکامل ذات انسان شروع می شود یعنی ریشه توسعه و ترقی در جان آدمیان است و ریشه آن در عقل وعلم آدمیان و سپس توسعه و قدرت و ثروت کشور و جامعه شروع می شود. تا جان افراد و آحاد جامعه و کشور دگرگون نشود و تحول و تغییر نپذیرد هرگز کلیت جامعه و کشور توسعه و ترقی نمی یابند.

بنابراین خانه عقل فروزان باید، تا تحرک علمی وعملی حاصل آید و از رهگذر این تقویت وتحرک نگرش نو آورانه و اندیشه پردازانه امکان پذیر شود. نگاه نو آورانه حاصل نگرش عقل مدار وحکمت بنیان است و تعقل وتحقیق ابزار وطریق خلاقیت است و اساساً تحقیق مکمل تعقل است و موجب کمال قوه تمیز و تشخیص است، به عبارت دیگر، تعقل و تحقیق بررستن است و تقلید وتعصب بربستن. رستن و بررسته نوآوری و شکوفایی و بالندگی به ارمغان می آورد و بستن و بربسته جمود و جهالت و تحجر به بار می آورد.

خانه عقل فروزان، خانه برقراری نسبت با حق و حقیقت است، خانه چشم بصیرت گشودن است، نگاه عمیق و نوین وخلاقانه پیدا کردن است، کشف راه های نوین است، خانه اصالت است نه ادعا، خانه عبرت است و از همه مهمتر خانه عقل فروزان خانه پرسش، مسئله، آزادی و پاسخ است و اینها لازمه توسعه وجودی است، به تعبیر دقیق تر توسعه ریشه در خانه عقل دارد چراکه خانه عقل خانه اندیشه ورزی و بن بست شکنی وطرح نو در انداختن است، خانه عقل پیشگاه توسعه است.

**اندیشگاه خانه عقل فروزان و عقلانیت است به این دلیل اندیشگاه سرچشمه توسعه، ترقی و تعالی و تکامل است.**

خانه عقل فروزان باد

آیدون باد

ان شاء الله